

A Consideration of Sources and Contents of Imam al-Sadiq's Letter to al-Najjashi

Mansur Dadashnizhad*

(Received on: 2019-06-01; Accepted on: 2020-02-16)

Abstract

58 letters from Imam al-Ṣādiq has been identified in sources, including his long letter to al-Najjāshī, al-Mansur al-‘Abbasi’s (d. 775/158 AH) agent in Ahvaz. Categorized as an essay of politics, the letter is concerned with how the ruler should interact with his subjects. It might serve as a model for the regulation of relations between rulers and their underlings. The present paper seeks to consider and analyze the letter as far as its sources and text are concerned. The full text of the essay has first appeared in the book, *al-Arba‘un Hadith fi Huquq al-Ikhwan* by Ibn Zuhra al-Ḥalabī (d. 1236/634 AH), a 13th century scholar, then it appeared in other sources, particularly those of the Safavid Era, and was referred to as *Risalat al-Ahwaziyya*. As to its content, the letter has two different sections with separate discourses: one focusing on people’s rights and the other on the believer’s rights. I conclude that since the letter is ignored in older texts and it is just cited in a later source, and since its text involves two different discourses, part of the letter is inauthentic, apparently added to the original letter. One such addendum is the part in which Khūzīs are reproached, which seems to be added to letter in consequence of rivalries among active groups of the society in 8th century (2nd AH).

Keywords: Imam al-Ṣādiq, al-Najjashi the agent in Ahvaz, *Risalat al-Ahwaziyya*, cooperation with the king, essay of politics.

* Associate professor, Department of History, Research Institute of Hawzeh and University, Qom: Iran: mdadash@rihu.ac.ir.

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی

منصور داداش نژاد*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷]

چکیده

تعداد ۵۸ نامه از امام صادق (ع) در منابع شناسایی شده که از جمله آنها نامه بلند آن حضرت به نجاشی، کارگزار منصور عباسی (متوفای ۱۵۸ ه.ق.) بر اهواز، است. این نامه، که در رده متن‌های سیاست‌نامه دسته‌بندی می‌شود، درباره چگونگی تعامل حاکم با رعیت است و می‌تواند الگویی در تنظیم روابط حاکمان با زیردستان باشد. نوشته حاضر در صد است این نامه را از لحاظ منبع و متن بررسی و تحلیل کند. متن کامل این رساله بار نخست در کتاب *الاربعون حدیثاً فی حقوق الاخوان*، نوشته ابن‌زهره حلبی (متوفای ۶۳۴ ه.ق.) از دانشمندان قرن هفتم درج شد و پس از آن به منابع دیگر، به‌ویژه منابع عصر صفوی، راه یافت و با عنوان *رساله الاهوازیه* نام‌بردار شد. از نظر محتوا، متن نامه دارای دو بخش مجزا از یکدیگر با دو گفتمان متفاوت است که در یکی بر حقوق مردم و در دیگری بر حقوق مؤمن تأکید می‌شود. دستاورد پژوهش آن است که با عنایت به بی‌توجهی متون کهن به این نامه و نقل آن در منبعی متأخر و نیز دوگانگی گفتمان متن نامه، بخشی از آن غیراصیل و ملحق به نامه اصلی است، به‌ویژه بندی از رساله که خوزیان را سرزنش می‌کند ناظر به رقابت گروه‌های فعال جامعه در قرن دوم افزوده شده است.

کلیدواژه‌ها: امام صادق (ع)، نجاشی کارگزار اهواز، رساله الاهوازیه، همکاری سلطان، سیاست‌نامه.

مقدمه

امام صادق (ع)، در دوران امامتش (۱۱۴-۱۴۸ ه.ق.) از ابزارهای رایج آن عصر برای رساندن پیام خود بهره برد. خطبه‌ها، نامه‌ها و جلسات درس از جمله این ابزارها بود که گزارش آن در منابع و متون، از جمله منابع حدیثی، به‌وفور یافت می‌شود.

درباره اصالت و اعتبار آثار نوشتاری برجای مانده از ائمه (ع)، از جمله امام صادق (ع)، به‌ویژه آنچه در قامت کتاب و رساله بر جای مانده، همواره تردیدهایی شده و بیشتر این آثار، منسوب به ایشان و از تلاش‌های دیگران و مربوط به زمان‌های پسین قلمداد شده است. محسن امین (۱۴۰۳: ۶۶۸/۱) تعداد ۲۴ کتاب و رساله را منسوب به امام صادق (ع) دانسته و دلیل موثقی برای نگارش این کتاب‌ها به دست امام نمی‌بیند و معتقد است اکثر این کتاب‌ها مربوط به دوره پس از ایشان است که با تأکید بر گفتارهای ایشان گرد آمده است. گروه‌هایی چون صوفیه و اسماعیلیه تحت عنوان کتاب‌هایی چون *مصباح الشریعة و توحید مفضل*، ادبیات خود را رواج داده و به امام صادق (ع) منسوب کرده‌اند (نک.: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۱). نویسندگان شیعی نیز در مواجهه با این روند، تسامح به خرج دادند و مقابله‌ای با آن نکردند. زیرا در انتساب مطالب اخلاقی، عرفانی و معارفی به بزرگان دین بدون سند قطعی، مشکلی ندیده‌اند و وثوق به مضمون و موافقت با درک عقلی را برای انتساب مطالب به معصوم کافی دانسته‌اند.

از این‌رو بررسی و نقادی در باب اصالت آثار نوشتاری ائمه (ع)، از جمله امام صادق (ع)، و پالایش آنها، برای جوامع شیعی اهمیت فراوان دارد، زیرا برخی با اتکا بر همین نوشته‌ها آرا و دیدگاه‌های خود را شکل داده، مبنای عمل خویش قرار می‌دهند، حال آنکه متنی که به آن اتکا می‌کنند اعتبار و اصالت ندارد.

درباره نامه بلند امام صادق (ع) به نجاشی چند تحقیق صورت گرفته است. مجلسی (۱۳۷۶: ۲۶۱) این رساله را همراه با عهدنامه مالک اشتر و نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف به فارسی ترجمه کرد. بر اساس اطلاعات آقابزرگ طهرانی، سید محمد بن

ابی تراب حسینی، معروف به میرزا علاءالدین گلستانه (متوفای ۱۱۰۰ ه.ق.) رساله /هوازیه را با عنوان *منهج الیقین* شرح کرد (آقابرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۴۸۵/۲؛ امین، ۱۴۰۳: ۶۱/۹). در عصر حاضر این نامه را شیخ علی موسی کعبی (۱۴۲۳: ۲۲۹) همراه با شرح حال نجاشی تصحیح و منتشر کرد. سید محمود غریفی (۱۴۲۸: ۱۷۵) نیز تصحیح جدیدی از آن انجام داد. سپس آن را با توضیحات بیشتر در کتابچه‌ای جداگانه با عنوان *الرسالة البهية فی سيرة الحاكم مع الرعية* به همراه مقدمه و توضیحاتی مستوفی منتشر کرد. آنچه در مقاله حاضر به آن می‌پردازیم، منابع این نامه و سیر انتقال آن در متون و نیز تحلیل محتوای نامه است که در کارهای پیشین توجه مستقل به آن نشده است.

۱. شرح حال نجاشی

گیرنده نامه امام صادق (ع)، ابویحیر عبدالله بن نجاشی اسدی است که منابع از او با عنوان «نجاشی» یا «ابن نجاشی» یاد می‌کنند. او جد هفتم ابوالعباس احمد نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق.)، نویسنده کتاب مشهور *رجال* است. نجاشی (۱۴۰۷: ۱۰۱ و ۲۱۳) نسب جدش را به صورت کامل در کتاب خویش بدین گونه آورده است:

عبد الله بن النجاشی بن عثیم بن أبی السمّال سمعان بن هُبیرة الشاعر بن مساحق بن بجیر بن أسامة بن نصر بن قعین بن الحارث بن ثعلبة بن دودان بن أسد بن خزیمة بن مدرکة بن الیأس بن مُضر بن نزار بن معد بن عدنان.

نام او گاه با «عبدالله النخاس»، از اصحاب امام کاظم (ع)، اشتباه و تصحیف شده است. عبدالله نخاس در شمار واقفیان بود (خوبی، ۱۴۱۳: ۳۶۰/۱۰). در شرح حال عبدالله بن نجاشی بر دو نکته تأکید شده است: گرایش شیعی و کارگزاری او بر اهواز.

۱.۱. مذهب

کشی (قرن ۴) به نقل از عمّار سجستانی گزارش کرده که عبدالله نجاشی نخست گرایش زیدی داشت و پیرو عبدالله بن حسن مثنی بود، سپس به امامت امام جعفر

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی / ۱۱

صادق (ع) اعتقاد یافت (کشی، ۱۳۴۸: ۳۴۳؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹: ۷۲۲/۲). بلاذری (متوفای ۲۷۹ ه.ق.) (۱۴۱۷: ۱۷۲/۱) به نقل از ابوالیقظان وی را «رافضی غالی» برشمرده و می‌گوید فرزند وی محمد بن عبدالله نیز کارگزار اصطرخر بود. گزارش‌های دیگر، از جمله گزارش ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳۵۶ ه.ق.) در کتاب *الآغانی* (۱۴۱۵: ۱۹۴/۷) بر تشیع عبدالله نجاشی و همنشینی او با شاعران تصریح می‌کند. تلاش او برای جذب مخالفان به مذهب شیعه، نشان از دغدغه مذهبی او است. عبدالله بن نجاشی وقتی سید حمیری (متوفای ۱۷۳ ه.ق.) از مذهب کیسانیه به مذهب امامیه بازگشت، اموال بسیاری به او هدیه داد (امینی، ۱۴۱۶: ۳۵۵/۲).

منابع حدیثی شیعه به روایات وی توجه فراوان کرده‌اند. او راوی سه روایت از امام صادق (ع) است که در منابع شیعی از آن یاد شده است. موضوع این سه روایت درباره منزلت امام علی (ع) (صفر، ۱۴۲۶: ۴۸۶/۲)، علم ائمه (همان: ۴۷۲/۱) و جایگاه ایشان (همان: ۳۱۷/۱) است که در هر سه روایت بر ویژگی‌های فوق‌العاده ائمه که محل عنایت طیفی از شیعیان بود تأکید می‌شود. علاوه بر روایات، امام صادق (ع) دو نامه (کوتاه و بلند) به وی نوشت که اینک متن هر دو نامه در اختیار است.

حسن بن یوسف حلی (۱۴۱۱: ۱۰۸) و ابن داود حلی (۱۳۴۲: ۲۱۴) علاوه بر اینکه نام «عبدالله بن النجاشی، ابوبجیر» را در بخش اول کتاب خویش، که به افراد ثقه اختصاص دارد، آورده‌اند، در بخش دوم کتاب که به ضُعفا اختصاص دارد از «عبدالله النجاشی» یاد کرده و او را از اصحاب امام کاظم (ع) و واقفی مسلک معرفی کرده‌اند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۳۶؛ ابن داود حلی، ۱۳۴۲: ۴۷۲). محتمل است در این زمینه تصحیفی صورت گرفته باشد و فرد دوم که از اصحاب امام کاظم (ع) و واقفی معرفی شده همان «عبدالله النخاس» بوده باشد که شیخ طوسی او را از اصحاب امام کاظم (ع) و واقفی دانسته است (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۴۱؛ مازندرانی، ۱۴۱۶: ۲۵۱/۴). با توجه به اینکه به احتمال قوی عبدالله بن نجاشی دوران امامت امام رضا (۱۸۳-۲۰۳ ه.ق.) را درک نکرده است، واقفی قلمداد کردنش صحیح نیست. بر اساس گزارشی درگذشت عبدالله بن نجاشی پیش از مرگ سید حمیری در سال ۱۷۳ و قبل از شکل‌گیری واقفه بود، زیرا وقتی سید حمیری شنید که

وی در بستر مرگ است و مرجئه او را به سرزنش گرفته‌اند، با سرودن شعری کوشید خود را بر بالین وی برساند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۰۰۷).

حاصل آنکه «عبدالله النخاس» که صحابه واقفی امام کاظم (ع) شمرده شده، فردی غیر از «عبدالله بن نجاشی» از اصحاب امام صادق (ع) و محل بحث در این مقاله است.

۱.۲. کارگزاری اهواز

منابع بسیاری به کارگزاری نجاشی بر اهواز از سوی منصور عباسی (خلافت: ۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) اشاره کرده‌اند. ابوهفان (متوفای ۲۵۷ ه.ق.) در کتاب *اخبار ابي نواس* (۲۰۱۱: ۲۱)، ابن معتز (متوفای ۲۹۶ ه.ق.) در کتاب *طبقات شعراء المحدثين* (۱۴۱۹: ۲۲۸)، کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) در *کافی* (۱۳۶۲: ۱۹۰/۲) و نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) در *رجال* (۱۴۰۷: ۱۰۱) از این سمت وی یاد کرده‌اند.

علی‌رغم اینکه نجاشی در ایام کارگزاری ارادت خویش را به امام صادق (ص) نشان داده و به سفارش‌های آن حضرت توجه و اعتنا کرده است، مخالفتی از سوی منصور عباسی با وی گزارش نشده است. او حتماً این روابط و مناسبات را مخفی می‌داشت تا حساسیت مسئولان بالاتر برانگیخته نشود.

سید حمیری (متوفای ۱۷۳ ه.ق.) با نجاشی روابط گرمی داشت و هنگامی که او کارگزار اهواز بود، به دیدارش شتافت (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۹۴/۷) و اشعاری همسو با عقاید وی و در مذمت شیخین سرود (همان: ۱۹۸/۷).

وقتی نجاشی کارگزار اهواز بود، امام صادق (ع) دو بار با وی مکاتبه کرد. یکی از مکاتبات، نامه‌ای کوتاه و دیگری نامه‌ای بلند است. نامه کوتاه درباره فردی است که نزد امام از کارگزار اهواز گلایه و عرض کرد که از او مالیات بسیاری ستانده شده است. امام در این باره نامه‌ای به نجاشی نوشت و از او خواست برادرش را خوشحال کند (بسم الله الرحمن الرحيم. سُرَّ اخاک، یسرک الله). نجاشی به این نامه اعتنا کرد. فرد آورنده نامه را اکرام کرد و برای شادمانی‌اش از هیچ کوششی دریغ نکرد. وقتی رفتار نجاشی به امام گزارش شد، آن حضرت اقدام نجاشی را موجب خشنودی خداوند،

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی / ۱۳

رسول وی و امام دانست. این نامه را، که نامه کوتاهی است، منابع کهن نقل کرده‌اند و بار نخست کلینی (۱۳۶۲: ۱۹۰/۲) در کافی، با سندی که به محمد بن جمهور عمّی می‌رسد، گزارشگر این نامه است.

۲. رساله اهوازیه

علاوه بر نامه کوتاه امام صادق (ع) به نجاشی که پیش از این ذکر شد، امام صادق (ع) نامه دیگری به نجاشی نوشته است که با عنوان رساله/اهوازیه شناخته می‌شود. این نامه بلند ۱۲۰ سطر دارد و حجم آن در چاپ‌های فعلی شش صفحه با درون‌مایه اجتماعی و سیاسی است.

در ادامه، این نامه در دو عنوان (منابع و محتوا) بررسی می‌شود.

۲. ۱. منابع نامه

نقل و انتقال این نامه در منابع، سه دوره را طی کرد:

دوره نخست: بی‌توجهی به نامه

نامه بلند امام صادق (ع) به نجاشی در شش قرن نخست و بر اساس منابع موجود محل توجه نویسندگان قرار نگرفت و در منابع نقل نشد. نخستین نویسنده‌ای که بدون آوردن متن نامه از آن یاد کرد، نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) (۱۴۰۷: ۱۰۱) صاحب رجال است که آن را نامه معروف و شناخته‌شده‌ای دانست و گفت امام صادق (ع) نوشته دیگری غیر از این نامه نداشت.^۲ نجاشی متن نامه را نیاورده و به محتوای آن نیز نپرداخته، اما با وصفی که از آن می‌کند روشن است که درباره نامه بلند امام، که می‌توان آن را نامه‌ای خاندانی و در قامت یک رساله دانست، سخن می‌گوید، نه نامه کوتاه یک‌سطری آن حضرت.

نویسندگان پیش از نجاشی (متوفای ۴۵۰ ه.ق.) علی‌رغم اینکه متن نامه مختصر امام صادق (ع) به نجاشی درباره کمک به کاستن مالیات یکی از شیعیان را درج کرده‌اند، اما

نامه مهم و مفصل امام را نیاورده‌اند. کلینی (۱۳۶۲: ۱۹۰/۲) و طوسی (۱۴۰۷: ۳۳۳/۶) متن نامه مختصر را آورده‌اند، اما هیچ اشاره‌ای به نامه بلند و محتوایش نکرده‌اند. برخی تفاوتی میان این دو نامه قائل نشده و گمان کرده‌اند شیخ طوسی روایتگر نامه بلند امام به نجاشی است (درایتی، ۱۳۹۰: ۴۶۱/۱۶)، حال آنکه چنین نیست و شیخ طوسی در تهذیب الاحکام فقط به نامه کوتاه امام به نجاشی اشاره کرده است.

در این دوره نویسندگانی که رساله‌هایی در باب همکاری با سلطان نوشته‌اند و متن این نامه می‌توانست مستندی قوی برای ایشان در اثبات اندیشه و دیدگاهشان باشد به این نامه که محتوایش مشروعیت همکاری با سلطان و نحوه تعامل کارگزار با رعیت است، نپرداخته‌اند. رساله شریف مرتضی (متوفای ۴۳۶ ه.ق.) (۱۴۰۵: ۸۷/۲) با عنوان *مسألة فی العمل مع السلطان* فاقد اشاره به این نامه و بندهای مفصل آن است.

احتمالات در باب عوامل بی‌توجهی به این نامه

نپرداختن منابع تا قرن ششم به این نامه، و درج‌نشدن متن آن در منابع با اینکه نجاشی صاحب رجال، آن را نامه معروف و شناخته‌شده‌ای می‌داند، احتمالاتی را درباره اصالت آن مطرح می‌کند؛

نخست آنکه این نامه را از امام ندانیم و تصریح نجاشی به نگارش نامه معروف امام به کارگزار اهواز را متن دیگر یا همان نامه کوتاه یک‌سطری بدانیم، به‌ویژه که از سویی در چند طریق نقل نامه بلند، نام نجاشی صاحب رجال وجود ندارد و از سوی دیگر شیخ طوسی، که در طریق شهید ثانی قرار دارد، بر اساس کتاب‌های به‌جای‌مانده از وی، فقط نامه مختصر را روایت کرده و به نامه مفصل به هیچ عنوان نپرداخته است.

البته این احتمال روا نیست، زیرا با توجه به توضیحات نجاشی درباره این نامه، که آن را تنها مکتوب و نوشته انحصاری امام صادق (ع) می‌داند، بسیار بعید به نظر می‌رسد که مراد وی نامه‌ای یک‌سطری بوده باشد. نوشته یادشده قاعدتاً نامه‌ای مفصل و در اندازه یک رساله بوده است که نجاشی از آن تعبیری چنین می‌کند.

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی / ۱۵

دوم آنکه این نامه چون بار سیاسی داشته و به جنبه‌های اعجازی و خارق عادت ائمه (ع) نپرداخته، محل توجه نویسندگان بعدی قرار نگرفته و به منابع اصلی و رسمی شیعه راه نیافته است. منابع شیعی، پس از عصر حضور ائمه (ع)، بیشتر اطلاعاتی را درباره ائمه (ع) ثبت می‌کردند که بیانگر فوق‌العادگی ایشان و پرهیز آنها از ورود به سیاست بود، اما محتوای این نامه بیانگر توجه امام به سیاست و امور سیاسی و راهنمایی ایشان در این زمینه است.

بی‌بهره بودن رساله از محتوای فقهی مرسوم نیز چه‌بسا از جمله عوامل بی‌توجهی بدان در این برهه قلمداد شود. فقه سیاسی شیعه نیز که این رساله می‌توانست غنابخش آن باشد، به دلیل محرومیت شیعیان از دست‌یابی به قدرت سیاسی، رشد چشمگیری نداشت و فقهای شیعه در این دوره محل رجوع مدیران جامعه نبودند.

سوم، با اینکه نویسندگان برجسته این دوره مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، در نقل شفاهی این نامه سهیم بوده‌اند و رساله از طریق ایشان به نسل‌های بعد رسیده است، اما خود در کتاب‌هایشان بدان نپرداخته‌اند. این موضوع می‌تواند تردید ایشان در متن رساله را تقویت کند. محتمل است از سویی دوگانگی و نقدهای درونی مربوط به متن نامه و از سوی دیگر مشی اصولی این نویسندگان و پرهیز ایشان از اخبار واحد، موجب تردید ایشان و کناره‌نهادن آن شده باشد.

دوره دوم: ورود متن نامه به منابع

نامه بلند امام به نجاشی در قرن هفتم محل توجه نویسندگان قرار گرفت. برای بار نخست ابوحامد محیی‌الدین محمد بن ابوالقاسم عبدالله بن علی بن زهره حلبی (متوفای ۶۳۴ ه.ق.) در کتاب *الاربعون حدیثاً فی حقوق الاخوان* متن کامل این رساله را همراه با سندش درج کرد (ابن‌زهره حلبی، ۱۴۲۸: ۶۱-۷۲) و پس از وی شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ ه.ق.) (۱۴۰۳: ۸۶-۹۶) همان متن را با طریق خویش، که بخش‌هایی از آن با سند ابن‌زهره حلبی یکسان است، آورد. بخش انتهایی سند این نامه در هر دو طریق ابن‌زهره و شهید ثانی یکسان است و سند از شیخ مفید به بعد یکی است. بخش مشترک سند چنین

است: «أخبرني الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان رضي الله عنه قال: أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه محمد بن عيسى الأشعري، عن عبد الله بن سليمان النوفلي، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام» (پیوست یک).

در طریق ابن زهره، دانشمندان نام آور و صاحب کتابی چون قطب راوندی، شاذان بن جبرئیل، کراجکی، شیخ مفید و ابن قولویه قرار دارند، اما در کتاب‌های برجای مانده ایشان به این نامه هیچ اشاره‌ای نشده است.

در طریق شهید ثانی هم دانشمندان و نویسندگانی چون حسن بن یوسف حلی، فخار موسوی و شیخ طوسی قرار گرفته‌اند، اما در کتاب‌های ایشان نیز نشانی از این نامه یافت نمی‌شود.

قرن هفتم، که آغاز مجدد فعالیت‌های شیعه هم‌زمان با فروپاشی خلافت عباسی و برآمدن مغولان است، زمینه‌ای برای بازخوانی مجدد میراث شیعیان فراهم کرد و نویسندگانی همچون ابن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه.ق.) با مشی اخباری به گردآوری و مطالعه حداکثری منابع و متون و به عرصه آوردن آنچه پیشینیان کنار نهاده بودند، همت کردند. در این فعالیت میراث برجای مانده و رانده شده به مناطقی همچون حلب که روزگاری محل توجه شیعیان بود، به منابع و متون راه یافت که متن این نامه نیز یکی از اینها بود.

دوره سوم: رواج نامه

منابع قرن دهم و یازدهم، که عصر برآمدن دولت شیعی صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵) و رشد اخباری‌گری است، به اتکای کتاب *الاربعون حدیثا* ابن زهره (متوفای ۶۳۴ ه.ق.) و کتاب *کشف الریبه* شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ ه.ق.)، متن کامل رساله یا بخش‌هایی از آن را گزارش کرده‌اند. نویسندگان دینی مطرح این دوره متن کامل این نامه را در کتاب‌هایشان آورده‌اند:

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی / ۱۷

حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه.ق.) (۱۴۰۹: ۲۰۷/۱۷) در *وسائل الشیعة* به اتکای سند و طریق شهید ثانی این رساله را نقل کرد. مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه.ق.)، (۱۴۰۳: ۳۶۰/۷۲؛ ۱۸۹/۷۴؛ ۲۷۱/۷۵) با تکیه بر هر دو کتاب *الاریعون* ابن زهره حلبی و *کشف الریبة* شهید ثانی و با نقل سند ایشان متن رساله را در چندین جای *بحار الانوار* آورد و جداگانه رساله را به زبان فارسی ترجمه کرد (همو، ۱۳۷۶: ۲۶۱؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۱۱۶/۱۴). سید نعمت‌الله جزائری (متوفای ۱۱۲۰ ه.ق.) (۱۴۲۹: ۲۳۴/۳) در *الانوار النعمانیة* بدان توجه کرد و در صدد توجیه بخش‌هایی از متن نامه که به خوزیان می‌تاخت برآمد و حسن لاهیجی (متوفای ۱۱۲۱ ه.ق.) به استناد شهید ثانی متن نامه را به فارسی نقل کرد (لاهیجی، ۱۳۷۵: ۲۵۱).

این رساله با توجه به تداول آن در عصر صفوی، دارای عنوان شد و با عنوان *رسالة الاهوازیة شناخته و نام‌بردار شد*. سید هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.) در *حلیة الابرار* (۱۴۱۱: ۱۹۷/۲)، *مدینة المعاجز* (۱۴۱۳: ۷۷/۲) و *غایة المرام* (۱۴۲۲: ۲۱/۷) و نوری (متوفای ۱۳۲۰ ه.ق.) در *مستدرک الوسائل* چنین تعبیری از این رساله کرده‌اند (نوری، ۱۴۰۸: ۳۴۶/۸؛ ۱۷۳/۱۴؛ همان، خاتمه، ۲۱۴/۱؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۴۸۵/۱۲؛ ۷/۱۱).

خاستگاه رواج نامه در عصر صفوی

پس از گذر از دوره دوم که مقدمات جهش شیعه آماده شد، عصری فرا رسید که شیعیان از سویی فعالیت جدی خویش را برای ورود به عرصه سیاست آغاز کردند و از سوی دیگر اخباری‌گری و توجه به تمام موازین بدون پالایش آن رشد کامل و پشتیبان دولتی یافت. در این روند متن‌هایی که بار سیاسی داشت و می‌توانست الگویی برای تعریف مناسبات حاکم و رعیت باشد، فارغ از صحت انتسابش، متن‌های سودمند و کاربردی برای تنظیم روابط و مناسبات در جامعه شیعی بود. در این زمینه توجه شایسته‌ای به این گونه رساله‌ها شد و دانشمندان دینی برای راهنمایی و مهار حاکمان، به این گونه متون توجه، و آنها را دستورالعملی دینی برای شرح وظایف حاکم قلمداد کردند. در این فضا، با توجه به بار سیاسی نامه بلند امام صادق (ع) به نجاشی، که متن

برجسته‌ای در آداب سیاست و حکمرانی بود، دانشمندان را به درج این رساله ذیل ابواب سیاسی کتاب‌هایشان کشاند. سه دانشمند عصر صفوی این رساله را در ابوابی درج کردند که مربوط به نحوه تعامل حاکم با توده مردم است. حر عاملی (۱۴۰۹: ۲۰۹/۱۷) در *وسائل الشیعة* آن را در باب «ما ینبغی للوالی العمل به فی نفسه و مع اصحابه و مع رعیتة»، مجلسی (۱۴۰۳: ۳۶۳/۷۲) در *بحار الانوار* در باب «احوال الملوک والامراء والعراف والنقباء والرؤساء و عدلهم و جورهم» و سید نعمت‌الله جزائری (۱۴۲۹: ۲۳۴/۳) ذیل عنوان «فی احوال الملوک والولایة» درج کرده‌اند. شیخ انصاری (متوفای ۱۲۸۱ ه.ق.) (۱۴۱۵: ۱۰۲/۲) نیز متن کامل رساله را ذیل عنوان «فی ما ینبغی للوالی العمل به فی نفسه و رعیتة» آورده است.

۲.۲. محتوای رساله

محتوای رساله بیان وظایف کارگزار در برابر مردم و سفارش‌های اخلاقی به حکمران برای رعایت حقوق مردم و دفاع از ایشان است. در این متن امام صادق (ع) روایاتی را از پدران خویش، که به امام علی (ع) و رسول خدا (ص) می‌رسد، نقل می‌کند. تعداد این روایات که امام صادق (ع) به آن استناد کرده ۱۳ تا است. امام صادق (ع) با استناد به سخن پدران خویش سیره اهل بیت (ع) در این زمینه را توضیح می‌دهد. نامه امام صادق (ع) در پاسخ به نامه نجاشی تنظیم شده و نگارش یافته است. نخست نجاشی به امام صادق (ع) نامه‌ای به خط خویش نوشت و ضمن تمجید از امام به او عرض کرد که مبتلا به کارگزاری اهواز شده و تقاضای راهنمایی و کمک فکری کرد و در پایان نامه نیز امام صادق (ع) را حجت‌الاهی بر روی زمین و امین خداوند بر سرزمین‌ها دانست (فانک حجة الله علی خلقه و امینه فی بلاده). نجاشی سه تقاضا از امام کرد؛ اول، خواستار دستورالعملی کلی شد که بتواند به عنوان الگو راهنمای وی قرار گیرد و مرز کارهایش را مشخص کند (ان یحدّ لی حدا او یمثل لی مثالا)؛ دوم، راهنمایی در تنظیم امور مالی به‌ویژه چگونگی مصرف زکات؛ سوم، پرسش درباره ویژگی و معیارهای انتخاب همکاران و اصحاب.

۲.۱. محوره‌های نامه

پاسخ امام در دو بخش مطرح شد؛ بخشی که ناظر به تقاضاهای سه‌گانه نجاشی بود؛ و بخش دوم که فراتر از تقاضاهای او نکاتی درباره رعایت حقوق مؤمنان ذکر می‌کند. در ابتدای نامه، امام مخالفتی با پذیرش کارگزاری منصور عباسی نمی‌کند بلکه پذیرفتن کارگزاری را فرصت و زمینه‌ای برای خدمت به هواداران و دوستداران آل محمد و برکشیدن و تقویت ایشان می‌داند. سپس ناظر به سه تقاضای نجاشی مطالبی را به شرح زیر مطرح می‌کند:^۲

۱. در محور اول که به سیاست‌های کلی کارگزار مربوط است نکات زیر را سفارش می‌کند:

دوری از خونریزی، پرهیز از آزار دوستداران خدا، مدارا با رعیت، اندیشه و دقت در تصمیم‌گیری، خوش‌رفتاری بدون ضعف و سخت‌گیری بدون شدت، همراهی با مسئول بالاتر (خلیفه) و نمایندگان و فرستادگان وی، انجام‌دادن کارهای رعیت و همراه‌کردن ایشان با حق و عدل و سوق‌دادن ایشان به سوی آن.

۲. در محور دوم که به چگونگی مصرف اموال مربوط است نکات زیر را توصیه می‌کند:

مصرف‌نکردن اموال برای مُضحکان (کمدی‌کاران، مسخرگان)، شوخی‌کاران (لودگان) و بطالت‌گذران؛ پرداخت اموال، جوایز و عطایا برای تقویت لشکر و بدنه کارگزاری شامل فرماندهان، سفیران، دیوانیان، نگهبانان و پاسداران، لشکریان؛ مصرف اموال شخصی برای صدقه، حج، هدیه و ...؛ گردنیاوردن و ذخیره‌نکردن اموال (کنز)؛ رسیدگی به نادارها.

۳. در محور سوم، که درباره گزینش یاران و هم‌نشینان است، نکات زیر را سفارش می‌کند:

پرهیز از هم‌نشینی با سخن‌چینان و مجال‌ندادن به ایشان؛ پرهیز از خوزی‌ها؛ هم‌نشینی با افراد امین، رشید و همسویان مذهبی؛ سنجش یاران و تفکیک و رده‌بندی ایشان.

در بخش دوم امام با تأکید بر حقوق مؤمنان و به‌کارگیری واژه «مؤمن» در بیش از ۲۲ موضع، نکاتی را به نجاشی یادآوری می‌کند که مربوط به پاس‌داشت حقوق مؤمن است: پرهیز از ترساندن مؤمن، کمک‌رسانی به مؤمنان، قضای حوائج مؤمن، پوشاندن برادر مؤمن، تهیه مرکب برای مؤمن، فراهم کردن وسایل ازدواج برای او، کمک به مؤمن در برابر سلطان ستمگر، دیدار با برادر مؤمن، پی‌گیری نکردن لغزش‌های مؤمن، شرایط اظهار ایمان، نهی از اهانت به مؤمن، پوشاندن اسرار مؤمن، پاس‌داشت حرمت مؤمن، شادکردن مؤمن.

۲.۲.۲. دوگانگی متن نامه

در دو بخش رساله، دو گفتمان متفاوت پی‌گیری شده است. در بخش اول گفتمان رعایت حق مردم بدون در نظر گرفتن دین و گرایش‌های مذهبی ایشان مطرح شده و در بخش دوم گفتمان رعایت حقوق مؤمن و مسائل اخروی برجسته شده است:

الف. گفتمان پاس‌داشت حقوق توده مردم: آبادانی دنیا

در بخش اول نامه، امام مطالبی را مطرح می‌کند که حاکم در برابر توده مردم و افراد زیردست، نیازمند مراعات آن است و رعایت اینها موجب پابرجایی حکومت می‌شود. از این‌رو رسیدگی به مردم، لشکریان و دیوانیان را توصیه کرده و علی‌رغم اینکه خلیفه، منصور عباسی است به نجاشی سفارش می‌کند پاسدار موقعیت او باشد و به او و نمایندگان بی‌اعتنایی نکند. سفارش‌ها در این بخش فراتر از گرایش مذهبی افراد است و بر نکاتی تأکید می‌شود که برای بقای کارگزاری و حکمرانی سودمند است. سفارش‌ها به صورت مطلق برای رعایت نظم و انضباط و رسیدگی به امور کارمندان اداری دولت و توده مردم فارغ از جهت‌گیری‌های مذهبی ایشان است.

همت اصلی این گفتمان (دال مرکزی) پاس‌داشت حرمت و حقوق رعیت و سرانجام آن اقتدار و استواری حکمرانی و بقای آن است. در این گفتمان بر موضوعات فرعی‌تر زیر (وقته‌ها^۴) تأکید می‌شود: پرهیز از خونریزی، اندیشه و تانی در امور، حسن

معاشرت، مصرف بهینه اموال، توجه به لشکریان و دیوانیان و انتخاب افراد امین و رشد یافته برای همنشینی و پرهیز از مجال‌دادن به افراد خوش‌گذران، که همگی عناصری است که به استحکام و بقای حکومت کمک می‌کند.

مجموع توصیه‌ها و سفارش‌ها در این بخش معطوف به توده مردم، نظام حکمرانی، گزینش افراد امین و رشید و نحوه مصرف اموال است.

ب. گفتمان پاس‌داشت حقوق مؤمن: آبادانی آخرت

بخش دوم رساله، گفتمان دیگری را پی می‌گیرد. در این بخش بر طیفی از جامعه، که گروه مؤمنان است، تأکید می‌شود و مؤمن موضوع اصلی (دال مرکزی) این گفتمان است. ۲۲ بار واژه «مؤمن» در عبارات این بخش به کار رفته و بار اصلی سفارش‌ها معطوف به پاس‌داشت حقوق مؤمنان، که بخش کوچکی از جامعه‌اند، شده است. نجات و رستگاری در آخرت به رعایت حقوق مؤمن وابسته است. در این گفتمان بر جامعه ایمانی تأکید می‌شود نه بر توده مردم. سفارش‌ها نیز بار اخلاقی دارد و عوارض پاسداری نکردن از حقوق مؤمن به ناکامی اخروی خواهد انجامید.

در گفتمان یادشده کسی که مؤمنی را بترساند خداوند در روزی که هیچ پناهی نیست او را می‌ترساند و اگر مؤمنی را پناه دهد در آخرت پناه خواهد یافت؛ برآورده کردن حوائج مؤمن به برآورده شدن حوائج فرد در آخرت می‌انجامد؛ کسی که برادر عریان مؤمنش را لباس پوشاند خداوند حریر بهشتی او را پوشاند؛ کسی که برادرش را اطعام کند، طبقات بهشتی نصیبش خواهد شد؛ کسی که برادرش را سوار کند خداوند او را بر شتران بهشتی سوار کند؛ کسی که وسایل ازدواج برادر مؤمنش را فراهم کند، خداوند از حورالعین بهره‌مندش کند؛ کسی که برادر مؤمنش را بر سلطان ستمگر یاری دهد، خداوند برای عبور از صراط او را یاری کند؛ کسی که به دیدار برادر مؤمنش رود در شمار زائران الاهی قرار گیرد؛ کسی که لغزش‌های مؤمنی را پی گیرد، خداوند در روز جزا لغزش‌های او را پی خواهد گرفت؛ کسی که مؤمنی را شاد کند خدا را شاد کرده و وارد بهشت خواهد شد.

موضوع اصلی (دال مرکزی) این گفتمان، که می‌توان آن را گفتمان آخرت‌گرایی نامید، فرد مؤمن و مسائل فرعی آن (وقته‌ها) نیز سفارش‌هایی همچون پناه‌دادن به مؤمن و برآوردن حاجت‌های او است.

در این دو گفتمان، هر جا که شعار و سخن واحدی مد نظر قرار گرفته معنای متفاوتی از آن مراد شده است، چنان‌که یاری ستم‌دیده در گفتمان نخست موجب انتظام امور است و کمکی به استمرار حکمرانی خواهد شد و یاری ستم‌دیده در گفتمان دوم، فارغ از آثار دنیوی، به نجات در آخرت خواهد انجامید. رفق و مدارا که در گفتمان نخست به حکمران سفارش می‌شود برای بهبودی و تسهیل کارهای دنیوی است و رفق و مدارا با مؤمن در گفتمان دوم موجب رستگاری آن‌جهانی است.

۳. بررسی و نقد نامه

با اینکه بیشتر مضامین این رساله جداگانه می‌تواند تأیید شود و با منطق و شیوه اهل بیت (ع) همسو باشد، اما برخی ابهام‌ها در این متن دیده می‌شود که اصالت آن را مخدوش می‌کند:

۱. از لحاظ گفتمانی، نامه دارای دو بخش جدا از هم است و می‌توان حدس زد که بخش دوم نامه بدان ملحق شده است. زیرا تقاضای نجاشی در نامه سه موضوع بوده و امام صادق (ع) نیز به همان سه موضوع در بخش نخست نامه پاسخ داده و با توجه به دامنه و قلمرو فعالیت حکمران، که توده و اصناف مختلف مردم، نه صرف مؤمنان، است، تأکید بر ایمان و برجسته‌کردن نقش مؤمن مناسب آن مقام نیست و برای آن موقعیت درست و منطقی به نظر نمی‌رسد.

علاوه بر این، پس از پایان بخش اول نامه، امام با افعال ماضی می‌فرماید سفارش‌های نیک را بر نجاشی فرستاده است و چنانچه بدان عمل کند و خطاهایی به وزن کوه‌ها و دریاها داشته باشد، خداوند از او خواهد گذشت. ° افعال ماضی به‌کاررفته در این عبارت حاکی از آن است که نامه پایان یافته و امام دستورها و توصیه‌های خود را در عبارات پیشین مطرح کرده است. بنابراین، عبارات بعدی که درباره حقوق مؤمن

است می‌تواند ملحق به این نامه باشد که دیگران بعدها برای تکمیل نامه بدان افزوده‌اند تا متن نامه را دینی‌تر کنند و به صورت خاص حقوق مؤمنان را در اولویت امام نشان دهند.

ضمن آنکه ساختار شکلی رساله در بخش دوم متفاوت با بخش اول است، زیرا در بخش دوم، امام احادیثی را پشت سر هم با اسنادی از پدران خویش از امام علی (ع) از پیامبر در ۹ موضع نقل می‌کند و می‌کوشد سخنانش را به آبای خویش مستند کند که در بخش اول رساله روند این گونه پُررنگ نیست. هرچند در اصل این سخنان نتوان تردید کرد، اما ردیف کردن این سخنان با این اسناد و پی‌درپی می‌تواند نشانه‌ای بر گردآوری بعدی این متون و ناظر به متن‌های پیشین باشد.

۲. برخی عبارات رساله چه بسا مخدوش و افزوده شده باشد، از جمله بخشی از رساله که درباره مکر خوزی‌ها است. امام به نقل از رسول خدا (ص) اعلام می‌کند که ایمان هیچ‌گاه بر دل خوزی‌ها نخواهد نشست و به نجاشی سفارش می‌کند که از مکر ایشان پرهیزد: «وَاحْدَرُ مَكَرِ خَوْزِ الْأَهْوَازِ فَإِنَّ أَبِي أَخْبَرَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْإِيمَانَ لَا يَثْبُتُ فِي قَلْبِ يَهُودِيٍّ وَلَا خَوْزِيٍّ أَبَدًا» (ابن‌زهره حلبی، ۱۴۲۸: ۶۴؛ شهید ثانی، ۱۴۰۳: ۸۸).

خوزی‌ها در عبارت یادشده، به گروهی از اهل خوزستان و وابستگان به آن جغرافیا اشاره دارد.

این بخش از رساله شاید ناظر به جریان‌های فکری آن عصر و بازتاب‌دهنده رقابت‌های موجود میان گروه‌های فعال آن دوره باشد. تعبیر «خوزی‌ها» اشاره به طیفی از عالمان تحصیل کرده جندی‌شاپور است. جندی‌شاپور در آن عصر برجسته‌ترین مرکز پزشکی آن روزگار بود و پزشکان برجسته دوره اسلامی تا میانه سده سوم به گونه‌ای با جندی‌شاپور مرتبط بودند. طبیبان تربیت یافته این دانشگاه در دربار عباسی نفوذ داشتند و به‌ویژه خاندان بختیشوع طبیب که سرآمد طبیبان این عصر به شمار می‌رفتند در خدمت دستگاه عباسی بودند (کرامتی، ۱۳۶۹، ذیل مدخل «پزشکی»: ۶۴۱/۱۳). این گروه طب تجربی و طبیعت‌گرایی را در دستور کارشان قرار داده بودند. در برابر یکه‌تازی این

گروه، مخالفان با انتساب احادیثی به بزرگان دین در مذمت ایشان، می‌توانستند در برابرشان مقاومت، و آنها را از اعتبار ساقط کنند، به‌ویژه که در عصر امام صادق (ع) جریان خوزی‌ها و نقش ایشان در تمدن اسلامی می‌توانست موضوعیت داشته باشد و موضوع گفت‌وگو قرار گیرد، اما در عصر امام علی (ع) که سند نامه به آن حضرت می‌رسد، خوزی‌ها موضوعیتی نداشته‌اند تا بتوانند توجه امام علی (ع) را به خود جلب کرده باشند.

برخی برای پذیرفتنی کردن این روایت، مذمت خوزی‌ها به صورت عام را از باب اطلاق کل بر جزء، تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند این روایت به اخلاق برخی خوزی‌ها و مذمت ایشان اشاره دارد نه تمام ایشان (غریفی، ۱۴۳۰: ۱۱۱)؛ چنان‌که سید نعمت‌الله جزائری (۱۴۲۹: ۲۳۸/۳) که خود وابسته به آن منطقه است چنین تحلیلی کرده است. این برداشت صحیح نیست. زیرا عبارت یادشده در صدد برشمردن ویژگی عمومی و رایج ایشان است.

۳. در بخش دیگری از نامه، اظهار می‌شود هنگامی که امام حسین (ع) قصد حرکت به سوی کوفه داشت، ابن‌عباس از او خواست از این سفر بپرهیزد، زیرا آن حضرت را کشته‌شده کربلا می‌دید. در این هنگام، امام حسین (ع) ضمن اعلام آگاهی از آینده خویش، مکاشفه‌ای از پدرش درباره بی‌ارزشی دنیا نقل کرد. بر اساس این داستان، هنگامی که شیطان به صورت زنی زیبا برای امام علی (ع) در فدک ظاهر شد، امام با کنارزدن وی اشعاری در ۹ بیت در مذمت دنیا سرود:

لَقَدْ خَابَ مَنْ غَرَّتْهُ دُنْيَا دَنِيَّةً وَ مَا هِيَ إِلَّا غَرَّتْ قُرُونًا بِنَائِلِ
أَتْنَا عَلَى زِي الْعَزِيزِ بُتَيْنَةَ وَ زَيْتَتِهَا فِي مِثْلِ تَلِكِ الشَّمَائِلِ

(ابن‌زهره حلبی، ۱۴۲۸: ۶۸)

منابع کهن بسیاری چون *طبقات الکبری* اثر ابن‌سعد (۱۴۱۴: ۴۵۰/۲)، *انساب الاشراف* اثر بلاذری (۱۴۱۷: ۳۷۴/۳)، *تاریخ طبری* (۱۳۸۷: ۳۸۳/۵)، *مروج الذهب* مسعودی (۱۴۰۹: ۵۵/۳) و دیگر آثار (نک.: ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱۱۰؛ خوارزمی، ۱۴۲۳: ۳۱۰/۱؛ ابن‌عساکر،

۱۴۱۵: ۲۱۰/۱۴) که دیدار امام حسین (ع) و ابن عباس در آستانه نهضت حسینی را گزارش کرده‌اند، هیچ کدام مکاشفه امام علی (ع) و اشعار وی را گزارش نکرده‌اند. این داستان و اشعار امام علی (ع) که جنبه‌های صوفیانه دارد برای بار نخست در سه منبع قرن ششم، بدون اینکه با نامه امام صادق (ع) به نجاشی ارتباط یابد، آمده است. بار اول در مناقب ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ه.ق.) (۱۳۷۹: ۱۰۲/۲) درج شده و ارتباطی با نامه امام صادق (ع) نیافته است. ابن شهر آشوب در مناقب بدون اینکه از منابع خویش یاد کند، این اشعار را به امام علی (ع) منسوب کرده است. کیدری (قرن ششم) (۱۳۷۵: ۱۳۳) که شرح خویش بر نهج البلاغه را در سال ۵۷۶ نگاشت بدون یادکرد از منبع خویش مکاشفه امام علی (ع) و اشعار وی را بر اساس روایت امام صادق (ع) (نه مکاتبه) نقل کرد. همان مکاشفه و اشعار را محمدحسین رازی (۱۳۶۱: ۳۵۴) به نقل از امام صادق (ع) از پدران خویش در همین قرن نقل کرد. این سه منبع که برای بار نخست مکاشفه امام علی (ع) را نقل و اشعار وی را ذکر کرده‌اند، هیچ ارتباطی میان گزارش خویش و نامه امام صادق (ع) به نجاشی برقرار نکرده‌اند.

نتیجه

امام صادق (ع) دو نامه، یکی کوتاه و دیگری بلند، به نجاشی، کارگزار منصور عباسی بر اهواز، نوشت. متن نامه کوتاهش، که درباره کمک به یکی از هواداران اهل بیت است، در منابع کهن همچون کافی کلینی و تهذیب الاحکام شیخ طوسی آمده است. اما نامه بلندش، که در باب حقوق مردم در برابر کارگزار است و می‌توانست متنی کاربردی باشد، محل توجه منابع قرار نگرفت و تا قرن هفتم بدان توجهی نشد. بار نخست در قرن هفتم ابن زهره حلبی (متوفای ۶۳۴ ه.ق.) متن کامل نامه را در کتابش آورد و پس از آن به دیگر منابع راه یافت.

این متن را می‌توان با توجه به تفاوت گفتمان‌های حاکم بر آن، متنی مرکب از سخنان و سفارش‌های گردآمده اهل بیت درباره حقوق مؤمنان و سفارش به کارگزاران دانست که بندها و پاره‌هایش از متون مختلف برداشت شده است. راه‌نیافتن متن مفصل

نامه به منابع کهن می‌تواند نشانی از ساخته شدن آن به مرور ایام باشد، به‌ویژه که بندهایی از آن، از جمله شعر نُه‌بیتی امام علی (ع)، در برخی منابع کهن‌تر، بدون انتساب به نامه امام صادق (ع) آمده است. همچنین، مذمت خوزی‌ها در این نامه، احتمال ساخته شدن آن را ناظر به رقابت گروه‌ها افزایش می‌دهد.

این نامه در عصر صفوی، که دوره برآمدن یکی از دولت‌های قدرتمند شیعی و رواج اخباری‌گری است، محل توجه دانشمندانی چون شهید ثانی (متوفای ۹۶۵ ه.ق.)، حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ه.ق.)، بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.)، مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه.ق.) و جزائری (متوفای ۱۱۱۲ ه.ق.) قرار گرفت و در منابع این دوره انعکاسی قوی یافت. زیرا این متن، فارغ از اصلش، از سویی می‌توانست به عنوان سفارش‌نامه و مرام‌نامه‌ای اخلاقی سیاسی برای مناسبات حاکم و رعیت استفاده شود و از سوی دیگر با درج آن در منابع، یکی از موارث کنارزده و مغفول‌مانده شیعیان مجدد به عرصه فرهنگ آورده می‌شد که در روند اخباری‌گری کاری ستوده و شایسته بود.

پیوست یک

الف. طریق ابن‌زهره

طریق اول: ۱. أخبرنی الشریف الفقیه عزّ الدین أبو الحارث محمد بن الحسن الحسینی البغدادی إجازةً، ۲. عن الفقیه قطب الدین أبی الحسین سعید بن هبة اللّٰه الراوندی، ۳. عن الشیخ أبی جعفر محمد بن علیّ بن المحسنّ الحلبي، ۴. عن الشیخ الفقیه أبی الفتح محمد بن علیّ الکرّاجکی ...

طریق دوم: و بطریق آخر قال: ۱. أخبرنی الشیخ الفقیه أبو الفضل شاذان بن جبرئیل القمی إجازةً، ۲. عن الشیخین أبی محمد عبد الله بن عبد الواحد و أبی محمد عبد الله بن عمر الطرابلسی، ۳. عن القاضي عبد العزيز بن أبی کامل الطرابلسی، ۴. عن أبی الفتح محمد ابن علیّ الکرّاجکی ...

و قال الكراجكى: ۵. أخبرني الشيخ المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان رضى الله عنه قال: ۶. أخبرنا أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، ۷. عن أبيه، ۸. عن سعد بن عبد الله، ۹. عن أحمد بن محمد بن عيسى، ۱۰. عن أبيه محمد بن عيسى الأشعري، ۱۱. عن عبد الله بن سليمان النوفلي، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام

ب. طريق شهيد ثانی

سه قرن بعد، شهيد ثانی (متوفای ۹۶۵ ه.ق.) در كشف الريبه عن احكام الغيبة متن این رساله را به طريق زير نقل کرده است (شهيد ثانی، ۱۴۰۳: ۸۵):

أخبرنا شيخنا السعيد المبرور المغفور النبيل نور الدين علي بن عبد العالی الميسى قدس الله تعالى روحه و نور ضريحه، يوم الخميس خامس شهر شعبان سنة ثلاثين و تسعمائة، بداره، قال: ۲. أخبرنا شيخنا المرحوم الصالح الفاضل شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن داود الشهير بابن المؤذن الجزيني، حادى عشر شهر المحرم، سنة أربع و ثمانين و ثمانمائة، قال: ۳. أخبرنا الشيخ الصالح الأصيل الجليل ضياء الدين أبو القاسم علي بن الشيخ الإمام السعيد شمس الدين أبي عبد الله الشهيد محمد بن مكى أعلى الله درجته كما شرف خاتمته قال: ۴. أخبرنى والدى السعيد الشهيد قال: ۵. أخبرنى الإمامان الأعظمان عميد الملة والدين عبد المطلب بن الأعرج الحسينى والشيخ الإمام فخر الدين أبو طالب محمد بن الشيخ الإمام شيخ الاسلام أفضل المتقدمين والمتأخرين و آية الله فى العالمين محيى سنن سيد المرسلين الشيخ جمال الدين حسن بن الشيخ السعيد أبى المظفر يوسف بن على بن المطهر الحلى قدس الله تعالى روحه الطاهرة، و جمع بينه و بين أئمتّه فى الآخرة، كلاهما عن ۶. شيخنا السعيد جمال الدين الحسن بن المطهر، ۷. عن والده السعيد سديد الدين يوسف ابن المطهر قال: ۸. أخبرنا السيد العلامة النسابة فخار بن معد الموسوى، ۹. عن الفقيه سديد الدين شاذان بن جبرئيل القمى نزيل المدينة المشرفة، ۱۰. عن الشيخ الفقيه عماد الدين محمد بن القاسم الطبرى، ۱۱. عن الشيخ الفقيه أبى على الحسن بن الشيخ الجليل

السعيد محيي المذهب محمد بن الحسن الطوسي، ۱۲. عن والده السعيد قدس الله روحه، ۱۳. عن الشيخ المفيد محمد بن النعمان، ۱۴. عن الشيخ أبي عبد الله جعفر بن قولويه إلى آخر ما ذكرناه أولاً.

پی‌نوشت‌ها

۱. منهج اليقين گلستانه اینک منتشر شده و محتوایش توضیح و شرح نامه دیگری از امام صادق (ع) به شیعیان است و ارتباطی با رساله /هوازیه ندارد (نک: گلستانه، ۱۴۲۹).
۲. این سخن نجاشی که از امام صادق (ع) نوشته دیگری جز این نامه به جای نمانده صحیح نیست. زیرا از امام صادق (ع) مکتوبات دیگری باقی مانده است (نک: امین، ۱۴۰۳: ۶۶۸/۱؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳: ۴۸۵/۲).
۳. مطالب نقل شده در ادامه از متن رساله امام صادق (ع) به نجاشی است که در کتاب الاربعون حديثاً (ص ۶۳-۷۲، ح ۶) درج شده است.
۴. سخن اصلی و محوری در هر گفتمان «دال مرکزی» نام دارد و مطالبی که ذیل دال مرکزی رده‌بندی می‌شود «وقته» است.
۵. «قد وجهتُ اليك بمكارم الدنيا والآخرة فان انت عملتَ بما نصحتُ لك في كتابي هذا، ثم كانت عليك من الذنوب ... رجوتُ ان يتجاوز عنك بقدرته».

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳). *الذریعة الى تصانیف الشيعة*، بیروت: دار الأضواء.
- ابن زهره حلبی، سید محیی الدین بن عبد الله حسینی (۱۴۲۸). *الاربعون حدیثاً فی حقوق الاخوان*، تحقیق: شیخ نبیل رضا علوان، قم: منشورات الاجتهاد.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴). *الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة*، تحقیق: محمد بن صامل السلیمی، طائف: مكتبة الصديق.
- ابن عساکر، علی بن حسین (۱۴۱۵). *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفكر.
- ابن معتز، عبد الله بن محمد (۱۴۱۹). *طبقات الشعراء المحلثین*، تحقیق: عمر فاروق الطباع، بیروت: دار الارقم.
- ابن داود حلّی، حسن (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). *المناقب*، قم: علامه.
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۵). *کتاب الاغانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۹). *مقاتل الطالبین*، تحقیق: احمد صقر، بیروت: دار المعرفة.
- ابو هفان مهزومی، عبد الله بن احمد (۲۰۱۱). *اخبار ابی نواس الحسن بن هانی*، تحقیق: فرج الحوار، بغداد: الجمل.
- امین، محسن (۱۴۰۳). *اعیان الشيعة*، بیروت: دار التعارف.
- امینی، عبد الحسین (۱۴۱۶). *الغدير فی الكتاب والسنة والادب*، قم: مرکز الغدير للدراسات.
- انصاری، مرتضی بن محمد (۱۴۱۵). *المکاسب المحرمة*، قم: کنگره جهانی شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۱). *حلیة الابرار*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳). *مدینة المعاجز*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۲). *غایة المرام و حجة الخصام*، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*، تصحیح: سهیل زکار، بیروت: دار الفكر.
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۴۲۹). *الانوار النعمانية*، بیروت: دار القاری.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *رجال العلامة الحلّی*، نجف اشرف: دار الذخائر.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳). *مقتل الحسين*، تحقیق: محمد سماوی، قم: انوار الهدی.

- خویی، ابو القاسم (۱۴۱۳). معجم رجال الحديث، قم: مؤسسة آل البيت.
- درايتی، مصطفی (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران فنخا، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رازی، محمد بن حسین (۱۳۶۱). نزهة الکرام و بستان العوام، تحقیق: محمد شیروانی، تهران: باقر ترقی.
- شريف مرتضى، علی بن الحسين (۱۴۰۵). رسائل الشریف المرتضى، تحقیق: سيد احمد الحسينی، قم: نشر دار القرآن الکریم.
- شهيد ثانی، زين الدين بن علی (۱۴۰۳). كشف الریبة عن احکام الغیبة، تحقیق: سيد علی الخراسانی، قم: مطبعة سيد الشهداء.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۲۶). بصائر الدرجات، تحقیق: سيد محمد حسين المعلم، قم: مكتبة الحيدرية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاريخ الطبری، تحقیق: ابو الفضل ابراهيم، بيروت: بی‌نا.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۳). رجال الطوسی، تصحیح: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- غریفی، سيد محمود (۱۴۲۸). «الاهوازیة رسالة الامام الصادق الی عبد الله بن النجاشی والی الاهواز»، در: علوم الحديث، ش ۲۲، ص ۱۷۵-۲۲۲.
- غریفی، سيد محمود (۱۴۳۰). الرسالة البهية فی سيرة الحاكم مع الرعية، بيروت و نجف اشرف: مؤسسة التاريخ العربي، مكتبة طريق المعرفة.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). الخرائج والجرائح، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف.
- کرامتی، یونس (۱۳۶۹). «پزشکی»، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸). رجال الکشي: اختيار معرفة الرجال، مشهد: دانشکده الاهيات و معارف اسلامی مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه مشهد.
- کعبی، علی موسی (۱۴۲۳). «الاهوازیة: رسالة الامام الصادق الی عبد الله بن النجاشی فی العمل مع السلطان»، در: علوم الحديث، ش ۱۱، ص ۲۲۹-۲۶۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). الکافي، تهران: اسلامية.
- کیدری، قطب الدين (۱۳۷۵). حدائق الحقائق فی شرح نهج البلاغه، تحقیق: عزيز الله عطاردی، قم: بنياد نهج البلاغه.

بررسی منابع و محتوای نامه امام صادق (ع) به نجاشی / ۳۱

گلستانه، سید علاء‌الدین محمد (۱۴۲۹). *منهج اليقين: شرح نامه امام صادق (ع) به شيعيان*، تصحيح: مجتبی صحفی و علی صدرایی خویی، قم: دارالحدیث.

لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق (۱۳۷۵). *رسائل فارسی، تصحيح: علی صدرایی خویی*، تهران: میراث مکتوب.

مازندرانی، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶). *منتهی المقال فی احوال الرجال*، قم: مؤسسه آل‌البیت.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۶). «رساله اهوازیه»، تصحيح: ابوالفضل حافظیان بابلی، در: *حکومت اسلامی، ش ۵، ص ۲۶۱-۲۷۲*.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب، تحقیق: اسعد داغر*، قم: دار الهجرة.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). *رجال النجاشی*، قم: جامعه مدرسین.

نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت.

References

- Aqa Buzurg Tihrani, Muhammad Muhsin. 1981 (1403 AH). *Al-Dhari'a ila Tasanif al-Shi'a* [The Means to Writings of the Shi'a]. Beirut: Dar al-Adwa'. [In Arabic]
- Ibn Zuhra al-Halabi, Sayyid Muhyi-I-Din ibn 'Abd Allah al-Husayni. 2007 (1428 AH). *Al-Arba'un Hadith fi Huquq al-Ikhwān* [The Forty Hadiths about the Rights of the Brethren]. Edited by Shaykh Nabil Rida 'Ulwan. Qom: Manshurat al-Ijtihad. [In Arabic]
- Ibn Sa'd, Muhammad. 1993 (1414 AH). *Al-Tabiqat al-Kubra, al-Tabiqat al-Khamisa* [The Major Classes, the Fifth Class]. Edited by Muhammad ibn Samil al-Salimi. Taif: Maktabat al-Siddiq. [In Arabic]
- Ibn 'Asakir, 'Ali ibn al-Husayn. 1994 (1415 AH). *Tarikh Madina Dimashq* [History of the City Damascus]. Edited by 'Ali Shiri. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Ibn Mu'tazz, 'Abd Allah ibn Muhammad. 1998 (1419 AH). *Tabiqat al-Shu'ara' al-Muhaddithin* [Classes of Poet Transmitters of Hadiths]. Edited by 'Umar Faruq al-Tiba'. Beirut: Dar al-Arqam. [In Arabic]
- Ibn Dawud al-Hilli, al-Hasan. 1963 (1342 SH). *Al-Rijal* [Figures of Hadiths]. Tehran: University of Tehran. [In Arabic]
- Ibn Shahrashub, Muhammad ibn 'Ali. 2000. *Al-Manaqib* [The Virtues]. Qom: 'Allamih. [In Arabic]
- Abu-I-Faraj al-Isfahani, 'Ali ibn al-Husayn. 1994 (1415 AH). *Kitab al-Aghani* [The Book of Songs]. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Abu-I-Faraj al-Isfahani, 'Ali ibn al-Husayn. 1998 (1419 AH). *Maqatil al-Talibin* [Stories of the Killings of the Students]. Edited by Ahmad Saqr. Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Abu Haffan al-Muhazzami, 'Abd Allah ibn Ahmad. 2011. *Akhbar Abi Nawas al-Hasan ibn Hani* [Narrations of Abu Nawas al-Hasan ibn Hani]. Edited by Faraj al-Hiwar. Baghdad: al-Jumal. [In Arabic]
- Amin, Muhsin. 1982 (1403 AH). *A'yan al-Shi'a* [The Famous Shi'a]. Beirut: Dar al-Ta'aruf. [In Arabic]
- Amini, 'Abd al-Husayn. 1995 (1416 AH). *Al-Ghadir fi-l-Kitab wa-l-Sunna wa-l-Adab* [Al-Ghadir in the Book and the Tradition and Literature]. Qom: Markaz al-Ghadir li-l-Dirasat. [In Arabic]
- Al-Ansari, Murtada ibn Muhammad. 1994 (1415 AH). *Al-Makasib al-Muharrama* [The Forbidden Transactions]. Qom: The Global Conference of Shaykh A'zam Ansari. [In Arabic]

- Al-Bahrani, Sayyid Hashim. 1990 (1411 AH). *Hilyat al-Abrar* [The Ornament of the Righteous]. Qom: Mu'assat al-Ma'arif al-Islamiyya. [In Arabic]
- Al-Bahrani, Sayyid Hashim. 1992 (1413 AH). *Madinat al-Ma'ajiz* [The City of Miracles]. Qom: Mu'assat al-Ma'arif al-Islamiyya. [In Arabic]
- Al-Bahrani, Sayyid Hashim. 2001 (1422 AH). *Ghayat al-Maram wa Hujjat al-Khisam* [The Ultimate Wish and The Ultimatum for the Enemies]. Beirut: Mu'assiat al-Tarikh al-'Arabi. [In Arabic]
- Al-Baladhuri, Ahmad ibn Yahya. 1996 (1417 AH). *Ansab al-Ashraf* [Genealogy of the Noble]. Edited by Suhayn Zikar. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Al-Jaza'iri, Ni'mat Allah ibn 'Abd Allah. 2008 (1429 AH). *Al-Anwar al-Nu'maniyya* (al-Nu'mani Lights). Beirut: Dar al-Qari. [In Arabic]
- Al-Hurr al-'Amili, Muhammad ibn al-Hasan. 1988 (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masa'il al-Shari'a* [Elaboration of the Means of the Shi'a for Learning the Issues of shari'a]. Qom: Mu'assisa Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam li-Ihya' al-Turath. [In Arabic]
- Al-Hilli, al-Hasan ibn Yusuf. 1990 (1411 AH). *Rijal al-'Allamat al-Hilli* [al-'Allamat al-Hilli's Figures of Hadiths]. Najaf: Dar al-Dhakhka'ir. [In Arabic]
- Khwarazmi, Muwaffaq ibn Ahmad. 2002 (1423 AH). *Maqatal al-Husayn* [The Story of al-Husayn's Murder]. Edited by Muhammad Samawi. Qom: Anwar al-Huda. [In Arabic]
- Khu'i, Abu-l-Qasim. 1992 (1413 AH). *Mu'jam Rijal al-Hadith* [Encyclopedia of Hadith Figures]. Qom: Mu'assisa Al al-Bayt. [In Arabic]
- Dirayati, Mustafa. 2011 (1390 SH). *Fihristigan-i Nuskh-i-hayi Khatti-yi Iran Fankha* [An Index of Manuscripts in Iran]. Tehran: National Library and Archives of Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- Razi, Muhammad ibn al-Husayn. 1982 (1361 SH). *Nuzhat al-Kiram wa Bustan al-'Awam* [The Excursion of the Noble and the Garden of the Laymen]. Edited by Muhammad Shirvani. Tehran: Baqir Taraqqi. [In Arabic]
- Al-Sharif al-Murtada, 'Ali ibn al-Husayn. 1984 (1405 AH). *Rasa'il al-Sharif al-Murtada* [Al-Sharif al-Murtada's Essays]. Edited by Sayyid Ahmad al-Husayni. Qom: Nashr Dar al-Qur'an al-Karim. [In Arabic]
- Al-Shahid al-Thani, Zayn al-Din ibn 'Ali. 1982 (1403 AH). *Kashf al-Riba 'an Ahkam al-Ghiba* [Resolving the Doubt concerning the Rulings of Backbiting]. Edited by Sayyid 'Ali al-Khurasani. Qom: Matba'a Sayyid al-Shuhada'. [In Arabic]

- Al-Saffar, Muhammad ibn al-Hasan. 2005. *Basa'ir al-Darajat* [Insights of the Degrees]. Edited by Sayyid Muhammad Husayn al-Mu'allim. Qom: Maktabat al-Haydariyya. [In Arabic]
- Al-Tabari, Muhammad ibn Jarir. 1967 (1387 AH). *Tarikh al-Tabari* [Al-Tabari History]. Edited by Abu-l-Fadl Ibrahim. Beirut: n.p. [In Arabic]
- Al-Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. 1994 (1373 SH). *Rijal al-Tusi* [Al-Tusi Figures of Hadiths]. Edited by Javad Qayyumi. Qom: Mu'assisat al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
- Al-Tusi, Muhammad ibn al-Hasan. 1986 (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam* [Refinement of the Rulings]. Edited by al-Hasan Khursan. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Gharifi, Sayyid Mahmud. 2007 (1428 AH). "Al-Ahwaziyya Risalat al-Imam al-Sadiq ila 'Abd Allah ibn al-Najjashi wa ila-l-Ahwaz" [Al-Ahwaziyya, al-Imam al-Sadiq's Letter to 'Abd Allah ibn al-Najjashi and to Ahvaz]. In *'Ulum al-Hadith* [Hadith Sciences]. No. 22: 175-222. [In Arabic]
- Gharifi, Sayyid Mahmud. 2009 (1430 AH). *Al-Risalat al-Bahiyya fi Sirat al-Hakim ma' al-Ra'iyya* [The Bright Essay on the Ruler's Treatment of the Subjects]. Beirut and Najaf: Mu'assisat al-Tarikh al-'Arabi, Maktaba Tariq al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Al-Qutb al-Rawandi, Sa'id ibn Hibat Allah. 1988 (1409 AH). *Al-Khara'ij wa-l-Jara'ih* [Issuances and Invalidations]. Qom: Madrasat al-Imam al-Mahdi 'Ajjal Allah Ta'ala Farajah al-Sharif. [In Arabic]
- Kiramati, Yunus. 1990 (1369 SH). "Pizishki" [Medicine]. In *Encyclopedia Islamica*. Tehran: Center for Encyclopedia Islamica. [In Persian]
- Kashshi, Muhammad ibn 'Umar. 1969 (1348 SH). *Rijal al-Kashshi: Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal* [Al-Kashshi's Figures of Hadiths: Anthology of the Study of Hadith Figures]. Mashhad: College of Theology and Islamic Doctrines, University of Mashhad Center for Research and Studies. [In Arabic]
- Ka'bi, 'Ali ibn Musa. 2002 (1423 AH). "Al-Ahwaziyya: Risalat al-Imam al-Sadiq ila 'Abd Allah ibn al-Najjashi fi-l-'Amal ma' al-Sultan" [Al-Imam al-Sadiq's Letter to 'Abd Allah ibn al-Najjashi concerning Cooperation with the King]. In *'Ulum al-Hadith* [Hadith Sciences]. No. 11: 229-265. [In Arabic]
- Al-Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. 1983 (1362 SH). *Al-Kafi* [the Sufficient]. Tehran: Islamiyya. [In Arabic]
- Kaydari, Qutb al-Din. 1996 (1375 SH). *Hada'iq al-Haqa'iq fi Sharh Nahj al-*

- Balagha* [Gardens of the Truths in Elaboration of the Way of Eloquence]. Edited by 'Aziz Allah 'Atarudi. Qom: Bunyad-i Nahj al-Balagha. [In Arabic]
- Gulistanih, Sayyid 'Ala' al-Din Muhammad. 2008 (1429 AH). *Manhaj al-Yaqin: Sharh-i Nami-yi Imam Sadiq bih Shi'ayan* [The Way of Certainty: Elaboration of Imam Sadiq's Letter to the Shi'a]. Edited by Mujtaba Suhufi and 'Ali Sadra'i Khu'i. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Lahiji, al-Hasan ibn 'Abd al-Razzaq. 1996 (1375 SH). *Rasa'il-i Farsi* [Persian Essays]. Edited by 'Ali Sadra'i Khu'i. Tehran: Miras-i Maktub. [In Persian]
- Mazandarani, Muhammad ibn Isma'il. 1995 (1416 AH). *Muntaha al-A'mal fi Ahwal al-Rijal* [The Ultimate Word in Biographies of Figures of Hadiths]. Qom: Mu'assisa Al al-Bayt. [In Arabic]
- Al-Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. 1997 (1376 SH). "Risala Ahwaziyya" [Ahvazi Letter]. Edited by Abu-l-Fazl Hafiziyan Babuli. In *Hukumat-i Islami* [Islamic Government]. No. 5: 261-272. [In Arabic]
- Al-Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi. 1982 (1403 AH). *Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'immat al-Athar* [The Seas of the Lights Encompassing Pearls of Hadiths from the Pure Imams]. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Al-Mas'udi, 'Ali ibn al-Husayn. 1988 (1409 AH). *Muruj al-Dhahab* [Meadows of Gold]. Edited by As'ad Daghir. Qom: Dar al-Hijra. [In Arabic]
- Al-Najjashi, Ahmad ibn 'Ali. 1986 (1407 AH). *Rijal al-Najjashi* [Al-Najjashi's Figures of Hadiths]. Qom: Jami'i-yi Mudarrisin. [In Arabic]
- Al-Nuri, Mirza Husayn. 1987 (1407 AH). *Mustadrak al-Wasa'il*. Qom: Mu'assisa Al al-Bayt. [In Arabic]